

## موسیقی ایران

(۱)

### آلات موسیقی ( سازها )

سازهای مختلفی از قدیم برای نواختن الحان موسیقی در ایران معمول بوده که بعضی از آنها متروک شده و برخی تغییر شکل و نام داده و بعضی دیگر با همان نام سابق هنوز متداول است . بطوری که از مطالعه کتابها و قاموسهای لغت معلوم میشود سازهایی در دوره های مختلف بکار برده شده که بسیاری از آنها بدرستی معلوم نیست چه شکلی داشته و شرح کامل راجع باسامی سازها بطلب را بدرازا میکشد رسی مهمترین آنها بتفصیلی است که ذیلا بیان میشود :

**چنگ** - قدیمترین آلت موسیقی و همانست که در مصر و یونان قدیم نیز معمول بوده و بعدها بصورت کاملتری در اروپا تکمیل شده و امروز هارپ (۱) نام دارد . در نقش برجسته طاق بستان کرمانشاهان شکل این ساز دیده میشود باین ترتیب که چند نوازنده چنگ در قایقی نشسته اند و در دنبال شاه که در مرداب مشغول شکار مرغابیست در حال نوازدگی بنظر می آیند .

بنابر این چنگ از سازهای بسیار قدیمی است که در ایران باستان نیز متداول بوده . این ساز تقریباً شبیه مثلث قائم الزاویه ایست که رشته های متعدد از بالا بپائین در روی آن نصب شده و هر سیم صدای مخصوص دارد که از بیم بهیر کوک میشود و با انگشتان هر دو دست بصدامی آید . چنانکه اشاره شد بعدها این ساز در ایران متروک شده و فقط نامش باقی مانده و شاعران هم چنگ را در شعار خود بکار برده اند (۲)

۱- Harp

- بنواز مرا که بی تو برخاست چون چنگ زهر رگم فغانی (عطارد)

**غژك** (بفتح اول و دوم) - در ایران قبل از اسلام سازی موسوم به **غژك** یا **غژ** (بفتح اول و سکون ثانی) معمول بوده. نظیر این ساز هنوز در بلوچستان ایران دیده میشود و آنرا **غیچک** مینامند. سازیست شبیه بکمانچه و با کمانی که از چند تار مو تشکیل میشود مینوازند و عده سیمهای آن بیش از کمانچه است. البته شکل آن با **غژك** اصلی تفاوت دارد و قبلاً ساده تر بوده و بیش از دو سیم نداشته. بطوری که «لانده» (۱) در کتاب «تجسس در گامهای عرب» (۲) مینویسد بعید بنظر میرسد که این ساز قبلاً آرشه‌ای باشد. فارابی در کتاب موسیقی خود نامی از **غژك** نمی‌برد ولی از ساز دیگری گفتگومی‌کند که شباهت کامل به **غژك** داشته و دارای دو سیم بوده و بدون کمان نواخته میشده. نام این ساز **رباب** است که بعد از آن نام برده خواهد شد.

کلمه «غژ» در دیوان شاعران پیشین بکار رفته چنانکه فرخی گوید:

هر روز یکی دولت و هر روز یکی غژ

هر روز یکی نزهت و هر روز یکی تار

در اتحاد شوروی مخصوصاً در جمهوریهای آذربایجان، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان کمانچه را بکار می‌برند و در تاشکند عده‌ای نوازنده کمانچه در ارکستر دیدم و کمانچه را **غیچک** می‌گفتند که هنوز رابطه خود را با «غژ» و «غژك» حفظ کرده است.

**رباب** - صاحب برهان قاطع گوید: **رباب** بضم اول نام ساز که آن طنبورمانندی بود بزرگ شکم و کوتاه دسته و بر روی آن بجای تخته پوست آهو باشد. بهمین جهت نگارنده هم کمانچه را در اصل **رباب** میدانم زیرا توصیف فوق درباره کمانچه هم صادق است. از این ساز در دیوان شاعران یاد شده است چنانکه فردوسی گوید:

نیامد سر مرغ و ماهی بخواب

از آن بزم و آواز چنگ و رباب

بمرو اندر از بانگ چنگ و رباب

کسی را نبد هیچ آرام و خواب

این ساز در ایران فراموش شده و تنها نامش باقی مانده ولی در افغانستان هنوز بهمین نام متداولست. در تاجیکستان نیز **رباب** جزء سازهای ملی است

وار کستری از نوازندگان رباب تشکیل داده‌اند که سفری بایران هم کرده و هنرنمایی نموده‌اند.

در یکی از سفرها که دسته‌ای از هنرمندان تاجیک برای دادن کنسرت بتهران آمده بودند ربابی بهنرستان موسیقی هدیه کردند و اخیراً از روی آن در کارگاه هنرهای زیبا نمونه‌ای ساخته‌اند که در ارکستر سازهای ملی بکار میرود. (۱)

**کمانچه** - از سازهای قدیمی است که در مشرق زمین بکار رفته. مسعود سعد سلمان شعری راجع بآن دارد:

ز نزهت و طرب و عز و شاد کامی و لہو

ز چنگ و بر بطنای و کمانچه و بگماز (۲)

در تالار عمارت چهل ستون اصفهان یکی از نوازندگان هم کمانچه مینوازد. از دوره صفویه بعد کمانچه یکی از ارکان موسیقی ایران بشمار آمده است که کمان آن بعدها، و یولن بایران آمد به «آرشه» (۳) که کلمه فرانسواست تغییر نام داد.

ه. ج. فارمر انگلیسی که در موسیقی ایران و عرب مطالعات زیاد کرده و درین باب کتاب نوشته می‌نویسد در دوره اخیر در ایران باصلاح و تکمیل آلات موسیقی کوشیده‌اند مثلاً در ۱۲۹۰ هجری قمری شخص همدانی کمانچه‌ای با اسم «رموز» اختراع کرد و در ۱۳۰۰ هجری قمری میرزا غلامحسین دو نوع کمانچه دیگر را که یکی موسوم به «مدیلان» و دیگری بنام «طرب انگیز» است متداول ساخت. (۴)

کمانچه تا حدود پنجاه سال قبل در ایران سه سیم داشت بعدها سیم چهارم

۱- رباب بعدها بمغرب زمین رفته نامهای مختلف «روبب» - «ربل» و «ربك» را که همه بضم اولست یافته.

۲- «نزهت». بقول قدمایکی از آلات مهتره کثیرالوتار است ما فند قانون و سنتور که هر سیمی صدای خاص دارد. اختراع آنرا به بصفی الدین عبدالؤمن ارموی (وفات ۶۹۴ ه. ق.) نسبت میدهند. سازی بوده است شبیه قانون بشکل مربع مستطیل.

۳- آرشه archet از کلمه arc مشتق است. آرشه یعنی کمان کوچک (petit arc)

(۴) مجله روزگار نو - جلد ۲ - شماره ۲۰

را بتقلید و یولن بآن اضافه کردند . در جمهوریهای آسیائی اتحاد شوروی هم کمانچه اکنون دارای چهارسیم است. رواج و یولن در ایران از رونق کمانچه کاسته است و بتدریج این ساز در کشور ما در راه نابودیست و این جای کمال تأسف است .

**بربط** - از سازهای باستانی ایرانست که بعد از اسلام عود نامیده شده و مهمترین سازی بوده است که مورد آزمایش موسیقی شناسان واقع شده چنانکه فارابی از آن بتفصیل سخن گفته و دیگر نویسندگان رسالات موسیقی هم آنرا مورد بحث قرار داده اند . این ساز تا دوره صفویه در ایران بوده چنانکه در نقاشی تالارچهل ستون اصفهان هم دیده میشود ولی بعدها در ایران متروک شده و ساز عربی نامیده شده است بطوری که در حدود بیست سال پیش در ایران وجود نداشت. در اوایل تاسیس هنرستان موسیقی ملی، نگارنده چند نمونه از این ساز را از خارج از ایران وارد کرد و نواختن آن آغاز شد ولی هنوز رواج چندانی نیافته است .

**طنبور** - از سازهای بسیار قدیم است . فارابی دو نوع آنرا بنام طنبور خراسانی و طنبور بغدادی در کتاب موسیقی خود مورد بحث قرار داده است . این ساز دو سیم داشته و مضرابی بوده که با انگشتان دست راست یعنی تقریباً با پنجه نواخته میشود . طنبور هم اکنون در کردستان ایران متداولست . بر خلاف عود که دسته‌ای کج دارد دسته طنبور است و بلند است و مانند تار پرده بندی میشود ولی عده پرده‌های آن کمتر است . شکل طنبور همه جا در مینیاتورهای قدیم دیده میشود . (۱) *مجموعه علوم انسانی*

**سه تار** - تصور میکنم که سه تار از نوع طنبور است با این تفاوت که طنبور را با چهار انگشت دست راست (بدون شست) بصدای می‌آورند ولی در سه تار ناخن سبابه عمل مضراب را انجام میدهد . وجه تسمیه سه تار معلومست زیرا در اول دارای سه سیم بوده و بعدها یک سیم بآن اضافه شده و اکنون دارای چهار تار است .

گویند سیم چهارم رامشتاق علیشاه بکار برده است چنانکه برخی آنرا «سیم مشتاق» میگویند .

**تار** - تار در لغت بمعنی رشته است و در آلات موسیقی همانست که با اصطلاح امروز «سیم» گفته میشود. پیشینیان آنرا «وتر» (بفتح اول و دوم) مینامیدند.

(۱) در شعر منوچهری بکار رفته :

معلوم نیست از چه زمان این نام بسازی، که امروز در دست ما میباشد اطلاق شده است. در شعر فرخی سیستانی در ردیف نام آلات دیگر، «تار» هم آمده است چنانکه قبلاً گفته شد.

تادوره صفویه سازی بشکل تار نداشته ایم زیرا در نقاشیهای چهل ستون اثری از آن نیست در صورتیکه کمانچه و عود و سنتور دیده میشود.

بعضی گویند تار همان بربط باستانی و عود دوره اسلامیست حتی اختراع تار را به فارابی نسبت داده اند در صورتیکه چنین نیست و او از عود نام برده است نه تار. در دوره صفویه از نوآزندهای بنام **شهرسوار چهار تار** نام برده اند (۱) و معروفست که شیخ حیدر (وفات ۱۸۹۸ ه. ق.) که یکی از موسسین سلسله صفویه است مخترع «چهار تار» است. همچنین گویند شخصی بنام رضاء الدین شیرازی سازی بنام «شش تار» را اختراع کرده.

بهر حال تار در دوره قاجاریه یکی از ارکان موسیقی ایران شده است. شاید این ساز در قفقاز بوده و بعدها با ایران آمده یا شاید برای اینکه صدای سه تار قوی شود روی کاسه آن پوست کشیده و کاسه را بزرگ کرده و ساز را بجای ناخن با مضراب نواخته اند. هم اکنون تار در آذربایجان شوروی و گرجستان بسیار معمول است ولی تار قفقازی با تار ایرانی اختلافاتی هم دارد.

**دوتار** - ساز بست از نوع سه تار و طنبور که هنوز هم در میان ترکمن های دشت گرگان بکار میرود.

مؤلف تاریخ عضدی مینویسد: «شبها هر وقت آقا محمدخان قاجار حالت خوشی از برایش دست میداد و دماغی داشت دوتار که زدن این ساز در میان تراکمه معمولست، میزد.» (۲)

**سنتور و قانون** - هر دو از سازهای قدیم است. سنتور با دو مضراب چوبی نواخته میشود و دارای سیمهای متعدد فلزیست. قانون با دو انگشتانه که بانگستان سیبابه هر دو دست می کنند بصدا میاید و دارای رشته های روده ایست. صدای قانون ملایم و طبیعی و آهنگ سنتور پر صدا و زنگ دار است. هر دو را در قدیم از آلات مهتره کثیر الاوتار می گفتند. در نقاشیهای تالار چهل ستون سازی شبیه سنتور یا قانون دیده میشود. سنتور در ایران باقی مانده و در اوقات اخیر رواج بسیار یافته ولی قانون متروک گردیده چنانکه حالا ساز

(۱) تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد براون - جلد ۴ ترجمه رشید

یاسمی صفحه ۱۰۴

(۲) تاریخ عضدی صفحه ۷۸

عربی شده است. در سالهای اخیر قانون هم مورد توجه قرار گرفت و آقای مهدی مفتاح هنگامی که معاون هنرستان موسیقی ملی بود سفری به بغداد کرد و چند قانون بایران آورد و اکنون در هنرستان بتعلم آن اقدام شده ولی هنوز توفیق زیاد حاصل نشده است. قانون بسیار سازخوش صدائست و حق اینست که در رواج آن کوشش کافی بعمل آید. (۱)

**سازهای بادی** - در بین این سازها از همه مهمتر و خوش آهنگتر «نی» یا «نای» است که نوعی کامل آنرا «نی هفت بند» میگویند و صدائی مطلوب و دلنشین دارد. در حقیقت قدیمترین آلت موسیقی است که در ایران هم سابقه اش زیاد است.

انواع دیگر سازهای بادی از قدیم در **نقاره خانه** معمول بوده است که عبارتند از:

**سورنا** (بضم اول) یا «سورنا» - سازیست دارای زبانه مضاعف که در اروپا تکمیل شده «اوبوا» (۲) نامیده شده است. عربها سازی شبیه بآن موسوم به «مزمار» یا «زمر» داشته اند که لوله آن استوانه شکل و پرده صوتش معیوب بود ولی لوله سرنای ایرانی مخروطی و صدایش بهتر است.

**کورنا** - آلتی است بادی و بلند با صدای بم و چون سوراخ ندارد با انگشتان نواخته نمیشود و با اصطلاح برای «دم دادن» (دم بفتح دال) بکار میرود.

**آلات ضربی** - از آلات ضربی آنچه باقی مانده از همه مهمتر «تنبک» یا «دنبک» (۳) است که با اینکه بسیار ساده است بسیار خوش صدا میباشد. یرا برخلاف آلات دیگر ضربی با کف دست و انگشتان نواخته میشود و از بهترین آلات ضربی است. دیگر «دایره» یا «دف» که نوعی از آن زنگهای کوچکی هم دارد. آلات ضربی نقاره خانه هم دو نوع است:

**نقاره** که دو طبل کوچک متصل بهم است یکی بزرگتر و دیگری کوچکتر و باد و عدد چوب بنام «چوب نقاره» نواخته میشود. کاسه نقاره از مس و پوست آن از گاو تهیه میشود.

**گورگه** (۴) طبلی است از نقاره بزرگتر و پوست آن که نازکتر است

(۱) در هندوستان سازهایی بانام فارسی هم اکنون معمولست که در ایران فراموش شده مانند: دایره - سرود - سارنگی - شهنای.

(۲) Hautbois (۳) Tombac (۴) Gavorgé

از گوسفند تهیه میشود. کاسه آن از گل ساخته میشود و با دو عدد ترکه ناز  
بصدا میآید.

**دهل (۱)** طبل بزرگی است که در روستاها برای همراهی با خواننده  
و نوازنده بکار میرود و مانند «گورگه» بادوتر که نواخته میشود.  
چون بمناسبت نامی از نقاره خانه برده شد جای آن دارد راجع با  
موسیقی که سابقه تاریخی قدیم در ایران دارد نیز مختصری گفته شد:

### نقاره خانه

«شاردن» فرانسوی راجع به نقاره خانه مینویسد:

«سمت سردر بازار شاه دویوان سر پوشیده است که آنرا نقاره خا  
خوانند و هنگام غروب و سحر با نقاره و کوس و دهل که قطر آن سه برابر قط  
طبل های اروپاست میزنند. محل این نقاره خانه در قیصریه کهنه بود و قبل  
شاه عباس بزرگ بهنگام شام و سحر نقاره میزدند تا آنکه میدان شاه  
ساختند و نقاره خانه با آنجا انتقال یافت.»

همچنین مینویسد: «در محله خواجهم کاخ نقاره چیان هندیست که  
آن کرنا زنان و سایر نوازندگان هندی منزل دارند. شاه عباس دوم هنگام  
شکست مغول کبیر و فتح قندهار عده ای از این نوازندگان را به همراه آورد و  
این قصر که در آن هنگام خالی بود جای داد.»

در جای دیگر مینگارد: «در یکی از گوشه های این میدان (مقصود میدان  
محله عباس آباد است) نقاره خانه ای مانند نقاره خانه میدان شاه است که بهنگام  
غروب آفتاب در آن نقاره میزنند و این یکی از امتیازات شهرهای بزرگ  
است.» (۲) «تاورینه» در سفرنامه خود چنین مینویسد:

«در روی این گالری (مقصود ایوان میدان شاه اصفهان است) اول غروب  
آفتاب و نصف شب نقاره و کرنا مشغول دادن «کنسر» میشوند که صدای  
در تمام شهر شنیده میشود. در بعضی از نقاط این ایوان اطاقهای کوچک بر  
منزل این نقاره چپها ساخته شده. در همه شهرهای خان نشین بحکام این امتیاز  
داده شده که نقاره خانه داشته باشند.»

در جای دیگر مینویسد: «در طلوع و غروب و نصف شب در هر شهر  
جماعتی موظفند که یک ربع ساعت از اقسام آلات موزیک مثل نقاره و دهل  
سرنا و سنج «کنسر» ی بدهند. این جماعت میروند در یک بلندی میایستند

(۱) Dohol (۲) سفرنامه شاردن - قسمت شهر اصفهان - نرجس

حسین عربضی چاپ شهر یور ۱۳۳۰ - صفحه ۳۱-۸۱-۹۸-۱۳۴-۱۴۱

صدان نقاره‌شان بهمه شهر برسد. يك قسم کرنا هم دارند که هفت هشت پا طول دارد و دهانش خیلی گشاد است و صدای آن تا نیم «لیو» (Lieue) مقیاس قدیم فرانسه در حدود چهار کیلومتر) مسافت می‌رود. اما کرنا فقط در پایتخت و کرسی ایالت زده میشود.

در تمام اعیاد و اوقاتی که شاه يك حاکم تازه یا صاحب منصب بزرگی معین میکند هم نقاره خانه میکوبند و این نقاره چپها حق دارند که بهر خانه‌ای که در آنجا اولاد ذکوری متولد شده باشد بروند و نقاره بزنند. صاحب‌خانه هم مجبور است يك مبلغی بآنها بدهد. «(۱)

در سفرنامه «برادران شرلی» چنین آمده است که شاه عباس بزرگ آنها را در محل وسیعی که در وسط بازار بوده و سکوئی داشته مهمانی کرده است و می‌ترسند: «بعد با طبل و نقاره خوانچه‌های ضیافت بمیان آمد که ۲۴ نفر از نجبا می‌آوردند و وقتی طبالها و نقاره‌چپها رفتند اهل طرب بمیان آمدند. بیست نفر زن بالباسهای فاخر می‌خواندند و صدای موزیک میرقصیدند.

وقتی جشن بآنها رسید پادشاه برخاست و دست «سر آنتوان» بگرفت و دست بدست همین طور در کوچه‌های شهر می‌گشتند و آن بیست نفر زن از جلو میرفتند و آواز می‌خواندند و میرقصیدند: بعد از آنها اهل دربار میرفتند و هر کدام از آنها دست یکی از ماها را گرفته بود و در سر هر کوچه موزیک جدیدی مشاهده میکردیم. «(۲)

«دیولافوا» می‌نویسد: «نقاره‌چپان یا آن کرناهای بلند قبل از طلوع آفتاب و بعد از غروب آن در بالای عمارات نقاره‌خانه برسم نیاکان باستانی خود بآفتاب که بزرگترین نماینده قوای زنده طبیعت است سلام میدهند. «(۳) عبدالله مستوفی مینویسد: «در ایران از زمان قدیم معمول بوده است که در طلوع و غروب آفتاب نوازندگان این موسیقی وطنی در محل مرتفعی بدور هم گرد می‌آمدند و بوق و کوس و کرنا و دهل خود را بصدا در می‌آوردند و با نوازدگی خود خورشید و روشنائی آنرا استقبال و بدرقه میکردند و در مواقع رزم هم با آلات موسیقی خود که سنگین‌های آنرا به پشت شتر می‌بستند در

(۱) سفرنامه تاورنیه ترجمه ابوتراب نوری چاپ ۱۳۳۱ ه. ق. صفحات

۶۰۳-۹۳۵-۹۳۶

(۲) سفرنامه برادران شرلی- چاپ ۱۳۳۰ ه. ق. صفحه ۷۵-۷۶

(۳) سفرنامه دیولافوا صفحه ۲۸۹ ترجمه فره‌وشی.

میدانهای جنگ بنو اهای مهبج خود سلحشوران را بشجاعت میآوردند و در کوچهای منزل بمنزل اسبابسر گرمی پیادگان و سواران بودند .  
 در زمان ناصرالدین شاه (قاجار) چون در جنگ و تمرینهای جنگی آلات موسیقی اروپائی معمول شده بود نقاره خانه از شغل اصلی خود افتاده و جنبه تجمل بخود گرفته بود فقط در اعیاد و صبح و عصر کار سابق خود را انجام میدادند .  
 در مسافرتها هم البته عدهای از آنها همیشه با اردوی ناصرالدین شاه بودند و صبح و عصر نوازندگی خود را در استقبال و بدرقه خورشید معمول میداشتند (۱)

این آئین دیرین که قرنهای سابقه تاریخی داشت در سالهای بعد بتدریج از اهمیتش کاسته شد و حالا تقریباً متروک است . یکی از موارد استعمال نقاره خانه که در حقیقت نوعی موسیقی قراولان شاهی بوده است بکار رفتن آن در تشریفات رسمی درباری بوده که بعدها موزیک نظامی با آلات موسیقی اروپائی از فلوت و اوبوا و قره نی و انواع شیپور و طبل و سنج و غیره جای آن را گرفته و پس از استخدام مستشار موسیقی از اروپا در دوره ناصرالدین شاه قاجار جای خود را بموزیک نظامی بسبک جدید داده که شرح آن خواهد آمد .  
 (دنباله دارد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی